

اخلاق و آداب میهمانی در اسلام

حجت‌الاسلام والمسلمین کاظم دلیری*

مقدمه

میهمانی و میهمانداری، از رسوم و سنت‌های کهن و پسندیده بشری است که در برخی مناسبت‌های زندگی مانند ازدواج و تولد نوزاد، سنت ثابت و مسلم اسلامی نیز می‌باشد.^۱ اسلام برای اموری مانند خرید و ساخت خانه و بازگشت از سفر حج نیز به برگزاری میهمانی توصیه کرده است.^۲ این امر به طور کلی در اسلام مطلوب است و با عبارات مختلفی به آن، ترغیب شده است. رسول خدا ﷺ فرمود: «وقتی میهمان از راه می‌رسد و بر گروهی فرود می‌آید، روزی‌اش با او از آسمان فرود می‌آید و هنگامی که چیزی می‌خورد، خداوند گناهان آن گروه را به سبب نزول میهمان بر آنان می‌آمرزد».^۳ اسلام وظایف و آدابی را برای میزبان و میهمان معین کرده است که رعایت آن، پیوند دوستان و آشنایان و خویشاوندان را تقویت می‌کند، زنگ کینه و کدورت و دورنگی را از دل‌هایشان می‌زداید و از فشارها و بیماری‌های روانی و جسمی آنان می‌کاهد. میهمانی، فرصتی مغتنم برای همیاری و همکاری در کارهای خیر، تبادل تجارب و اطلاعات علمی و دینی و تکریم شعائر الهی است. حال اگر وظایف و آداب اسلامی جای خود را به تشریفات و تجملات و تکلفات زائد و دست و پاگیر بدهد، نتیجه‌ای جز کاهش روابط و رفت و آمدهای خویشاوندی و دوستانه و افزایش تنش‌ها نخواهد داشت. امروزه شاهد بی‌رغبتی

* دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم.

۱. ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۲۸۱-۲۸۲.

۲. ر.ک: محمد بن علی صدوق؛ کتاب من لایحضره الفقیه؛ ج ۴، ص ۳۵۶؛ محمد بن حسن طوسی؛ تهذیب الأحکام؛ ج ۷، ص ۴۰۹.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۲۸۴.

به این سنت نیکوی انسانی و اسلامی هستیم که از آفات مهم اخلاقی در زمان حال شمرده می‌شود. در این مقاله به مهم‌ترین وظایف و آداب میزبان و میهمان می‌پردازیم.

الف. وظایف و آداب میزبان

برای آشنایی با آداب و وظایف میزبان، انگیزه پذیرایی از میهمان، رعایت اعتدال در پذیرایی و پرهیز از تجملات و اکرام و بزرگداشت میهمان بیان و بررسی می‌شود.

۱. انگیزه میهمانی

در هر کاری، نیت حرف اول را می‌زند و ارزش و پاداش هر عملی، به نیت یا انگیزه آن بستگی دارد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى؛ اعمال، بسته به نیت‌هاست و برای هر کس همان چیزی است که نیت کرده است». سنت میهمانی نیز می‌تواند با نیت درست یا نادرست انجام شود. جلب رضای خداوند متعال، پیروی از سنت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، پیوند با خویشاوندان و دوستان و اطعام و رسیدگی به نیازمندان، از اهداف ارزشمند میهمانی است که آن را به یک عمل صالح و مستحق پاداش تبدیل می‌کند. فخر فروشی، ریاکاری، شهرت‌طلبی، چشم و هم‌چشمی، شکم‌چرانی، چشم‌چرانی و برگزاری مجالس عیش و نوش و گناه نیز از جمله انگیزه‌های نادرست میهمانی است که آن را بی‌ارزش می‌کند و گناه سبب گناه و معصیت نیز می‌شود.

انگیزه‌های نفسانی و شیطانی در برگزاری میهمانی‌ها، صورت‌های مختلفی دارد، گاه به قصد خودنمایی و شهرت‌طلبی است. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «الْوَلِيمَةُ يَوْمٌ وَ يَوْمَانِ مَكْرَمَةٌ وَ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ رِيَاءٌ وَ شُمْعَةٌ؛ ولیمه (غذای عروسی)،^۳ یک روز و دو روز سبب کرامت است و سه روز، خودنمایی و آوازه‌طلبی است». گاه برای چشم و هم‌چشمی یا خودنمایی است که در نوع پذیرایی زیاده‌روی و یا با نوع دعوت میهمان، خودنمایی می‌کند، مانند دعوت کردن از افراد ثروتمند و صاحب منصب؛ در حالی که فقرا به این سفره‌ها سزاوارترند. امام موسی کاظم عَلَيْهِ السَّلَام

۱. محمد بن حسن طوسی؛ الأمالی؛ ص ۶۱۸.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۳۶۸؛ محمد بن حسن طوسی؛ تهذیب الأحکام؛ ج ۷، ص ۴۰۹.

۳. برای مثال رک: خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ ج ۸، ص ۳۴۴؛ ابو عبید هروی؛ الغریب المصنف؛ ج ۱، ص ۱۹۱.

فرمود: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ طَعَامٍ وَلَيْمَةٍ يُخْصُ بِهَا الْأَعْيَابُ وَ يُتْرَكُ الْفُقَرَاءُ؛^۱ رسول خدا ﷺ از ولیمه‌ای که مختص ثروتمندان باشد و فقرا رها شوند، نهی کرد». این آفتی است که بیشتر گریبانگیر مسئولان حکومتی و اشراف می‌شود. عثمان بن حنیف انصاری، کارگزار امیرالمؤمنین علیه السلام در بصره، روزی به دعوت یکی از جوانان، بر سر سفره‌ای حاضر شد که غذاهای رنگین و لذیذ در آن نهاده بودند. امیرالمؤمنین علیه السلام پس از اطلاع از این جریان، نامه‌ای مفصل و توییح‌آمیز به وی نوشت و فرمود: «وَمَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوفٌ وَ غَنِيَّتُهُمْ مَدْعُوفٌ؛^۲ من گمان نمی‌بردم که دعوت به غذای گروهی را بپذیری که به فقیرشان جفا کرده و ثروتمندشان را دعوت کرده‌اند».

۲. رعایت اعتدال در میهمانداری

اسلام در روابط اجتماعی و از جمله در سنت میهمانی، خواهان فضای انس و صمیمیت و پرهیز از تکلف است. تکلفات و تشریفات زائد و اسراف در میهمانی‌ها، سبب میهمان‌گریزی و کاهش رفت و آمدها و پیدایش دلخوری و ناراحتی می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود:

الْمُؤْمِنُ لَا يَحْتَشِمُ مِنْ أَخِيهِ وَلَا يُدْرِي أَيُّهُمَا أَعْجَبُ الَّذِي يَكْلِفُ أَخَاهُ إِذَا دَخَلَ أَنْ يَتَكَلَّفَ لَهُ أَوْ الْمَتَكَلِّفُ لِأَخِيهِ؛^۳ مؤمن از برادرش خجالت و گرفتگی ندارد و کسی نمی‌داند کدام یک از این دو عجیب‌ترند: کسی که به هنگام ورود بر برادرش، او را مکلف می‌کند که برای او خودش را به زحمت بیندازد، یا کسی که خودش را برای برادرش به تکلف می‌اندازد؟!^۴

درباره میهمان تکلف سره نیست در نیک و بدش نیز تصرف سره نیست^۴
 مهمان چو رسید آنچه داری حاضر پیش آر سبک‌تر که توقف سره^۵ نیست^۶
 روزی حارث همدانی، از امیرالمؤمنین علیه السلام خواست که آن روز را میهمان او باشد. حضرت

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۲۸۲، ح ۴.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغة؛ نامه ۴۵، ص ۴۱۶.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۲۷۶، ح ۲.

۴. یعنی میهمان چه بد باشد و چه خوب باید از او پذیرایی کرد.

۵. درست و روا.

۶. محمد عوفی؛ جوامع الحکایات؛ ج ۱، ص ۲۸۴.

فرمود: «به شرطی می‌آیم که چیزی از آنچه را که در خانه داری، از من پنهان نسازی و خود را به تهیه چیزی از بیرون خانه هم مکلف نسازی».^۱ وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام وارد خانه حارث شد، حارث تکه نانی آورد و در سفره نهاد و حضرت مشغول خوردن آن شد. در این هنگام حارث با اشاره به پول‌هایی که در دست داشت، از حضرت اجازه خواست چیز دیگری هم بخرد؛ ولی امام اجازه نداد و فرمود: «این همان چیزی است که در خانه‌ات بود».^۲ البته این شرط امام، برای میهمانی‌های ناگهانی و بدون دعوت از قبل است؛ وگرنه - هم‌چنانکه در برخی روایات دیگر آمده^۳ - پسندیده است که میزبان در حد معمول و متعارف، پذیرایی خوبی از میهمان به عمل آورد.

ادب دیگر این است که نه میهمان و نه میزبان، نباید نوع پذیرایی را ناچیز بشمارند. صفوان بن یحیی - از اصحاب امام صادق علیه السلام - می‌گوید:

عبدالله بن سنان نزد من آمد و گفت: آیا چیزی نزدت هست؟ گفتم: آری، مقداری پول به پسر دادم تا گوشت و تخم مرغ بخرد. عبدالله پرسید: پسر را کجا فرستادی؟ من قضیه را گفتم. عبدالله دوبار گفت: او را برگردان! بعد گفت: آیا روغن زیتون داری؟ گفتم: آری. گفت: آن را بیاور که من از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «هَلَكَ اَفْرُوُّ اِخْتَقَرَ لِاَخِيهِ مَا يَخْضَرُهُ وَ هَلَكَ اَفْرُوُّ اِخْتَقَرَ لِاَخِيهِ مَا قَدَّمَ اِلَيْهِ»^۴؛ هلاک شد کسی که آنچه را برای برادرش حاضر دارد، خوار بشمارد و هلاک شد کسی که آنچه برادرش پیش رویش نهاده است، خوار بشمارد.

شاید علت هلاکت میزبان و میهمان در این حدیث، به سبب تحقیر نعمت‌های خداوند و ناسپاسی از او باشد که به هلاکت آدمی می‌انجامد. بنابراین عذرخواهی‌های فراوان از میهمان در کوتاهی از پذیرایی شایسته نیست، به‌ویژه اگر در سفره‌های رنگین باشد.

۳. اکرام میهمان

یکی از خصلت‌های پسندیده انسانی و اسلامی، اکرام یا میهمان‌نوازی میهمان است.

۱. احمد بن محمد برقی؛ المحاسن؛ ج ۲، ص ۴۱۵: «عَلَى شَرْطٍ أَنْ لَا تَدْخُرَنِي شَيْئاً مِمَّا فِي بَيْتِكَ وَلَا تَتَكَلَّفُ شَيْئاً مَعَا وَرَاءَ بَابِكَ».

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۲۷۶، ح ۴.

۳. همان، ج ۶.

۴. همان، ج ۳.

رسول خدا ﷺ فرمود: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ صَيفَهُ؛^۱ هر که به خدا و روز واپسین ایمان دارد، میهمانش را اکرام کند». این جمله افزون بر وجوب اکرام میهمان، گویای آن است که بی احترامی به میهمان، از ضعف ایمان یا بی ایمانی ناشی می شود. از جمله آخرین وصیت های امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام نیز اکرام میهمان بود.^۲

میهمان نوازی شامل همه نوع احترام و بزرگداشت میهمان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ مِنْ حَقِّ الصَّيْفِ أَنْ يُكْرَمَ وَ أَنْ يُعَدَّ لَهُ الْخِلَالُ؛^۳ از حقوق میهمان آن است که گرامی داشته شود و خِلال [دندان] برایش آماده شود». خِلال دندان، کنایه از کوچک ترین و جزئی ترین نیازهای میهمان است. چنانکه در فرهنگ ایرانی - اسلامی، همواره بهترین اتاق های خانه، بهترین غذاها و میوه ها و بهترین وسایل استراحت همراه با رفتاری نیکو برای میهمان بوده است.

در سیره پیشوایان دین، نمونه های متعددی از میهمان نوازی دیده می شود. در شرح حال حضرت ابراهیم علیه السلام گفته اند: «آن قدر میهمان نوازی کرد که او را ابوالأضياف، یعنی پدر میهمانان نامیدند». بنا بر آیات قرآن کریم وقتی دسته ای از فرشتگان به صورت ناشناس بر او وارد شدند، گوساله ای را سر برید و آن را بریان کرد و در پیش رویشان نهاد.^۴ این سنت در میان فرزندان و پیروان دین حنیف ابراهیم علیه السلام، مانند یعقوب نبی علیه السلام، لوط نبی علیه السلام و حضرت عبدالمطلب علیه السلام ادامه یافت و حتی در میان عرب های جاهلی نیز رواج داشت.^۵ پس از ظهور اسلام نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را تداوم و تحکیم بخشید؛ برای مثال وقتی حضرت می خواست یکی از اسیران مشرک را مجازات کند، جبرئیل دو بار بر او نازل شد. در نوبت اول تقاضای تأخیر مجازات آن اسیر را کرد و در نوبت دوم، گفت: این اسیر تو، اطعام و از میهمان پذیرایی می کرد. بر مشکلات صبر

۱. همان؛ ج ۲، ص ۶۶۷، ج ۶ و ج ۶، ص ۲۸۵، ج ۱ و ۲.

۲. محمد بن محمد مفید؛ الأمالی؛ ۲۲۰-۲۲۱؛ محمد بن حسن طوسی؛ الأمالی؛ ص ۷.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۲۸۵، ج ۳.

۴. علی بن حسین مسعودی؛ اثبات الوصیة؛ ص ۴۰.

۵. ذاریات: ۲۴-۲۷.

۶. رک: محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۲۸۷؛ احمد بن محمد برقی؛ المحاسن؛ ج ۲، ص ۴۲۱. محمد

بن مسعود عیاشی؛ کتاب التفسیر؛ ج ۲، ص ۲۴۵. علی بن حسین مسعودی؛ اثبات الوصیة؛ ص ۱۳۴.

۷. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۴، ص ۲۱۲.

می‌کرد و بارهای مالی دیگران [مثل دیه و غرامت] را بر دوش می‌کشید. پیامبر ﷺ ضمن ابلاغ این مطلب به آن اسیر، او را آزاد کرد. اسیر آزاد شده با شنیدن این مطلب، مسلمان شد و سوگند یاد کرد که احدی را [نا امید] از مالش برنگرداند.^۱

ب. وظایف میهمان

درباره آداب و وظایف میهمان، سه مورد مهم و اساسی ذکر گردیده است. ابتدا انگیزه رفتن به میهمانی مورد بررسی قرار گرفته است. پذیرش دعوت مسلمان و عدم رد آن مورد بعدی در بیان وظایف است. در انتها نیز رعایت آداب و شرایط میهمان‌داری آورده شده است.

۱. انگیزه خداپسندانه

میهمان همچون میزبان باید انگیزه خداپسندانه از رفتن به میهمانی داشته باشد؛ برای مثال اگر میهمان فقط انگیزه شکم‌چرانی داشته باشد و در پذیرش دعوت، میان اغنیا و فقرا فرق بگذارد و بی‌درنگ بر سر سفره‌های اغنیا بنشیند و از نشستن بر سر سفره‌های فقرا ابا داشته باشد و نسبت به آن تعلق بورزد، عمل او ارزشی نخواهد داشت. ناراحت شدن از پذیرایی ساده و بی‌پیرایه و احم و گله و مسخره کردن میزبان و پذیرایی او، نشانه انگیزه‌های غیر الهی میهمان است. پیامبر اکرم ﷺ دعوت پایین‌ترین طبقات اجتماع مانند بردگان و بر ساده‌ترین نوع غذاها مانند نان جو یا دست و پاچه گوسفندی را هم می‌پذیرفت.^۲ یکی از بهره‌های تربیتی همشینی و همسفرگی با نیازمندان این است که روحیه تکبر یا خودبزرگ‌بینی را از جان انسان می‌زداید، بر تواضع او می‌افزاید^۳ و روحیه قناعت و زهد را در درون انسان تقویت می‌کند. به رخ کشیدن ماشین، لباس، کیف، کفش و تلفن همراه که متأسفانه در زنان نمود بیشتری دارد و نیز غیبت و بدگویی مردم و شوخی زیاد و افراطی، از دیگر انگیزه‌های ناپسند برای رفتن به میهمانی است.

۲. پذیرش دعوت مسلمان

یکی از وظایف میهمان، پذیرش دعوت مسلمان است که بر طبق روایات، از حقوق مسلمان بر

۱. همان، ج ۴، ص ۵۱، ح ۹؛ احمد بن محمد برقی؛ المحاسن؛ ج ۲، ص ۳۸۸.

۲. رک: فضل بن حسن طبرسی؛ مکارم الأخلاق؛ ص ۱۵ و ص ۲۹ و ص ۱۶. محمد بن حسن طوسی؛ الأمالی؛ ص ۳۹۳؛ ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابیطالب؛ ج ۱، ص ۱۴۶.

۳. رک: مسعود بن عیسی ابی فراس؛ مجموعه ورام؛ ج ۱، ص ۲۱۱.

مسلمان می‌باشد.^۱ رسول خدا ﷺ فرمود: «مَنْ أَعْجَزَ الْعَجْزِ رَجُلٌ دَعَاهُ أَخُوهُ إِلَى طَعَامٍ فَتَرَكَهُ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ؛^۲ از بدترین ناتوانی‌ها، مردی است که برادرش او را به طعامی فرا خواند و او بدون هیچ عذری آن را ترک کند». تعبیر ناتوانی در این روایت، گویا اشاره به ناتوانی در برقراری روابط اجتماعی است که سبب انزوای فرد و تضعیف یا از هم گسیختگی روابط اجتماعی می‌شود. اهمیت پذیرش دعوت تا آنجاست که طول مسافت نیز تا حد معقولی، دلیلی موجه برای رد دعوت مسلمان نیست. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «أَوْصِي الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَالْغَائِبَ أَنْ يُجِيبَ دَعْوَةَ الْمُسْلِمِ وَ لَوْ عَلَيَّ خَمْسَةَ أَهْيَالٍ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ؛^۳ به حاضر و غایب از امتم سفارش می‌کنم که دعوت مسلمان را بپذیرد، گرچه از فاصله پنج میل باشد^۴ که این کار از دین است». امروزه که به لطف وسایل نقلیه، مسافت‌ها کوتاه‌تر شده؛ پذیرش چنین دعوت‌هایی نیز آسان‌تر شده است.

۳. رعایت آداب و شرایط مهمان‌داری

میهمان باید نسبت به زمان ورود و خروجش به میهمانی مراقب باشد، به موقع به منزل میزبان برود و به موقع از آنجا خارج شود و کاری نکند که میزبان و خانواده‌اش را بیازارد. زمانی که پیامبر اکرم ﷺ با زینب دختر جَحْش ازدواج کرد، در حجره او ولیمه‌ای ترتیب داد و اصحابش را به آن دعوت کرد. اصحاب دسته دسته می‌آمدند و غذا می‌خوردند و می‌رفتند، ولی گروهی از اصحاب بعد از خوردن غذا در جای خود نشسته بودند و مشغول صحبت با یکدیگر بودند. پیامبر اکرم ﷺ دوست داشت کنار همسرش باشد، ولی شدت حیاض اجازه نمی‌داد که چیزی بگوید یا میهمانان را بیرون کند. از این رو در حیاط خانه قدم می‌زد تا اینکه میهمانان برخاستند و رفتند. به همین مناسبت این آیه نازل شد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرِينَ إِنَّمَا وَكُنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَأَدْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۲۷۴، ح ۲-۳ و ۵.

۲. احمد بن محمد برقی؛ المحاسن؛ ج ۲، ص ۴۱۱.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۲۷۴.

۴. میل در زبان عربی، مقدار مسافتی است که در چشم‌انداز انسان قرار می‌گیرد و هر سه میل را یک فرسخ شرعی دانسته‌اند. رک: محمد بن احمد ازهری؛ تهذیب اللغة؛ ج ۱۵، ص ۲۸۵.

يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ...^۱ ای مؤمنان! به خانه‌های پیامبر وارد نشوید، مگر اینکه برای خوردن غذایی به شما اجازه دهند و منتظر فرا رسیدن وقت خوردن آن هم نباشید؛ پس هنگامی که دعوت شدید، وارد شوید و چون غذا خوردید، بی آنکه [پس از صرف غذا] سرگرم سخن گفتن با یکدیگر گردید، پراکنده شوید، [زیرا] این [کار که بنشینید و سرگرم سخن گردید] پیامبر را می‌آزارد و از شما حیا می‌کند [که بیرون‌تان کند] ولی خدا از حق حیا نمی‌کند.^۲

بنابراین اگر میهمان فقط برای صرف غذا دعوت شود، نباید چنان زود و بی‌موقع برود که مدت زمان طولانی در انتظار غذا بنشیند و سبب شرمندگی میزبان شود. پس از اتمام میهمانی هم نباید بی‌جهت بنشیند تا مزاحم کار و آسایش میزبان و خانواده‌اش شود.

میهمان سخت عزیز است و لیکن چو نفس خفقان آرد اگر آید و بیرون نرود^۳

اقامت طولانی در منزل میزبان، ممکن است صاحبخانه را تحت فشار مالی نیز قرار دهد. در روایات آمده است که میهمانی به دو و یا حداکثر سه روز ختم شود و اگر میهمان بعد از آن بماند، به نحو متعارف و معمول از او پذیرایی شود. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «الضَّيْفُ يُطْفَأُ لَيْلَتَيْنِ فَإِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ الثَّالِثَةِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَأْكُلُ مَا أَذْرَكَ»^۴ میهمان تا دو شب پذیرایی می‌شود، از شب سوم او از اهل خانه است و هر چه رسید، می‌خورد». هم‌چنین فرموده است: «الضَّيْفَةُ أَوْلَ يَوْمٍ وَ الثَّانِي وَ الثَّالِثِ وَ مَا بَعْدَ ذَلِكَ فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ تُصَدَّقَ بِهَا عَلَيْهِ» میهمانی، روز اول و دوم و سوم است و مابعد آن، صدقه‌ای است که میزبان بر میهمان می‌دهد». یعنی در حکم فقیر و مسکین است که صدقه می‌گیرد و بهتر است هر چه زودتر از خانه میزبان خارج شود. سپس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «لَا يَنْزِلُ أَحَدُكُمْ عَلَى أَخِيهِ حَتَّى يُؤْتِمَهُ مَعَهُ» کسی از شما بر برادرش میهمان نشود تا این که او را با خودش به گناه [و مشقت] اندازد». گفتند: ای رسول خدا! چگونه او را به

۱. احزاب: ۵۳.

۲. ر.ک: علی بن ابراهیم قمی؛ تفسیر القمی؛ ج ۲؛ ص ۱۹۵؛ محمد بن جریر طبری؛ جامع البیان؛ ج ۲۲، ص ۲۵-۲۷؛ فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان؛ ج ۸، ص ۵۷۶؛ محمد بن احمد قرطبی؛ الجامع لأحكام القرآن؛ ج ۱۴، ص ۲۲۴.

۳. علی اکبر دهخدا؛ امثال و حکم؛ ج ۴، ص ۱۷۷۹.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۲۸۳.

گناه می‌اندازد؟ فرمود: «حَتَّى لَا يَكُونَ عِنْدَهُ مَا يُنْفِقُ عَلَيْهِ؛^۱ [آن قدر می‌ماند] تا اینکه چیزی برای خرج کردن بر او نداشته باشد». طبیعی است در چنین شرایطی آن مرد در تنگنا قرار می‌گیرد یا روحیه‌اش ضعیف می‌شود و یا برای پذیرایی از میهمان، ممکن است به گناه افتد؛ مثل اینکه قرض ربوی کند یا به مال کسی دستبرد بزند.

به دیدار مردم شدن عیب نیست
ولیکن نه چندان که گویند بس
اگر خویشتن را ملامت کنی
ملامت نباید شنیدن ز کس^۲

فهرست منابع

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی؛ مناقب آل ائطالب؛ چاپ اول، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۲. ابو عبید هروی، قاسم بن سلام؛ الغریب المصنف؛ تحقیق: محمد مختار عبیدی؛ چاپ اول، تونس: المؤسسة الوطنیه للترجمه و التحقیق و الدراسات بیت الحکمة، [بی تا].
۳. أبی فراس، مسعود بن عیسی؛ مجموعه وزّام (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر)؛ چاپ اول، قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ق.
۴. ازهری، محمد بن احمد؛ تهذیب اللغة؛ چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۵. برقی، احمد بن محمد؛ المحاسن؛ تحقیق: جلال الدین محدث ارموی؛ چاپ دوم، قم: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.
۶. دهخدا، علی اکبر؛ أمثال و حکم؛ چاپ دوزادهم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۳ش.
۷. سعدی، مصلح بن عبدالله؛ گلستان؛ تصحیح: محمد علی فروغی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۳ش.
۸. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه؛ تحقیق: صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۹. صدوق، محمد بن علی؛ کتاب من لایحضره الفقیه؛ تحقیق: علی اکبر غفاری؛ چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۰. طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الاخلاق؛ چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۱۱. _____؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تصحیح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی؛ چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

۱. همان.

۲. مصلح بن عبدالله سعدی؛ گلستان؛ باب ۲، حکایت ۲۹، ص ۸۷.

۱۲. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ چاپ اول، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن؛ الامالی؛ تحقیق: مؤسسة البعثة؛ چاپ اول، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۱۴. _____؛ تهذیب الاحکام؛ تحقیق: حسن الموسوی خراسان؛ چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۵. عوفی، سدید الدین محمد؛ جوامع الحکایات و لوامع الروایات؛ تحقیق: امیر بانو مصفا و مظاهر مصفا؛ چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۶ش.
۱۶. عیاشی، محمد بن مسعود؛ کتاب التفسیر؛ تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی؛ چاپ اول، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای؛ چاپ دوم، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۱۸. قرطبی، محمد بن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن؛ چاپ اول، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۱۹. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ تحقیق: طیب موسوی جزائری، چاپ سوم، قم: دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۱. مسعودی، علی بن حسین؛ اثبات الوصیة؛ چاپ سوم، قم: انصاریان، ۱۴۲۶ق.
۲۲. مفید، محمد بن محمد؛ الامالی؛ تحقیق: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری؛ چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.